

تبار شناسی واژگان در گویش بهبهانی

محقق و پژوهشگر:
فرخنده نشانی

www.ketab.ir

نشاطی، فرخنده، ۱۳۴۷-

تبارشناسی واژگان در گویش بهیانی

مؤلف و پژوهشگر: فرخنده نشاطی. قم، انتشارات ظهور ۱۳۹۱

۱۹۶ صفحه

ISBN:978-964-7590-59-4 : ۳۵۰۰۰ ریال

بهیانی - واژه‌نامه‌ها

زبان‌های ایرانی - گویش‌ها - بهیانی

۱۳۹۱، ۵ ن/PIR3286

۴۶۹

۲۴۴۷۸۶۱



«شناسنامه بی کتاب»

نام کتاب.....تبارشناسی واژگان در گویش بهیانی
نوشته.....فرخنده نشاطی
ناشر.....انتشارات ظهور
طراح جلد.....امین راستی بهیانی
تیراژ.....۴۰۰۰ جلد
نوبت چاپ.....اول/تابستان ۱۳۹۱
چاپخانه.....بقیع
قیمت.....۳۵۰۰۰ ریال
شابک.....۹۷۸-۹۶۴-۷۵۹۰-۵۹-۴

مرکز پخش: قم، خیابان دل‌آذر ۲، دست راست، فرعی دوم

تلفکس: ۲۵۱-۲۹۱۶۵۱۹

همراه: ۰۹۱۲۱۵۲۰۰۱۷

«وقف نامه»

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«أَلْمَالُ وَ التَّنُونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَاباً وَ
أَمَلًا» (کهف/۴۶)

آدمی بر حکم فطرت الهی خود نوع دوستی را ارج نهاده و با دیدن بینوایان آزرده
خاطر گشته و با یاری رسانی به محرومان قلبش را آرام می کند.

«وقف»، نوعی خیراندیشی است که می توانیم بگوییم تاریخی نه به درازی تاریخ
تمدن بشری بلکه، قدمتی به آفرینش کل هستی دارد چرا که، اولین واقف خود
خداوند است. «وَ لِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»، او تمام آسمان ها و زمین را
وقف مخلوقات خود کرد. وقف، از افتخارات دین اسلام است که غیر مستقیم در
قرآن و مستقیم در سیره ی پیامبر (ص) و سیره ی ائمه به آن توجه فراوان شده
است. پیامبر اسلام (ص) اساخت مسجد قبا نخستین واقف در اسلام است در
میان ائمه امام علی (ع) بیشترین وقف را داشته اند. در مدت ۲۵ سال امامت
خود به کارهای کشاورزی و باغبانی مشغول بودند و از این طریق املاک و مزارع
فراوانی بدست آوردند که آن حضرت، باغ ها را در راه رضای خدا به صورت زکات
و صدقه و ... انفاق می کردند و در آخر عمرشان همه ی باغ ها و مزارع را وقف
کردند. از جمله، موقوفات ایشان چاه های فراوانی بود که خود با دست
مبارکشان آن ها را حفر کرده و به بهره برداری رسانیده بودند.

امام حسن (ع) و امام حسین (ع) باغ های خود را که به نام باغ صبا و باغ مرجان
در مدینه معروف است، وقف کرده اند. امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز
موقوفاتی در مدینه داشتند.

وقف شاخه های فراوانی چون: وقف آب انبار، منزل مسکونی، مسجد،
بیمارستان، کتابخانه، مدرسه، کتاب و ... دارد. بی تردید کتاب، وفادارترین و
ارزشمندترین دوست انسان است. خیل عظیمی از عالمان کتاب های خود را
وقف اماکن یا افراد رشته های بخصوصی کرده اند تا آنان بهره مند شوند. از
طرف دیگر وقف مدرسه است و تأثیر آن در شکوفایی استعدادهایی است که

شاید با نبود این اماکن مقدس وقفی نمی توانستند شکوفا شوند. نکته ی جالب دیگر در رابطه با وقف و ادبیات فارسی، تحصیل، رشد و بالندگی بیش تر شاعران و نویسندگان فارسی در یک بستر آموزشی وقفی است. بنابراین، در صورت عدم وجود این فرهنگ، شمار زیادی از شاعران و نویسندگان و ... فرصت به فعلیت رساندن استعداد های خود را نمی یافتند. با این حساب، می توان گفت که وقف دین بزرگی برگردن ادبیات فارسی دارد. سعدی در بوستان برای اثبات استفاده ی خود از اموال موقوفه می گوید:

«مرا در نظامیه ادرار بود شب و روز تلقین و تکرار بود»

در این موارد سخن فراوان است اما، بی تردید، سنت حسنه ی وقف در اسلام از جایگاه بلندی برخوردار است و از گران بهاترین سنت های اسلامی و نمونه ی اعلا ی باقیات صالحات است. معامله ای ماندگار که واقف، نتیجه ی دسترنج خود در طول حیات مادی را در بانک الهی ذخیره کرده تا در عرصه ی قیامت از ثواب آن بهره مند شود. در این رابطه با توجه به تمام موارد ذکر شده و هم با توجه به آیه ی شریفه که می فرماید: «لَنْ نَسْأَلَكَ خَتًی تَنْفَقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ/هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید» پس، این بضاعت مزجات حقیر که اذعان می کنم برای نوشتن آن متحمل زحمت زیاد شده، تایپ و ویراستاری آن را نیز خود انجام داده ام در معامله ای با پروردگار. وقف امر خیر مدرسه سازی کردم، باشد که مورد رضای خداوند قرار گیرد چرا که خوش بختی از آن کسی است که دیگران را خوش بخت کند و در رفع حوائج آن ها بکوشد.

یک قطره چشیدیم ز مینای محبت گشتیم فنا در دل دریای محبت
از خویش رهیدیم و به دلدار رسیدیم تا گام نهادیم به صحرای محبت

«فرخنده نشاتی، بهار ۹۱»

«مقدمه»

کتاب حاضر تحقیقی است در باره ی ریشه شناسی برخی از واژگان و نام هایی که در گویش محلی، به کار رفته و تحول صوری و یا معنایی آن ها را از صورت اصلی تا فعلی شان بررسی می کند.

مجموعه ی کوچکی که پیش رو دارید بنابر نیاز دانشجویان و مراجعه ی مکرر آن ها به این جانب تهیه شده است. در سال هایی که مشغول نوشتن کتاب ضرب المثل ها (ج ۳ و ۲) بودم، تصمیم گرفتم برای پربارتر شدن مطلب و رسایی آن، برخی از مثل ها و به دنبال آن بعضی واژگان را ریشه یابی کنم، در این حین متوجه شدم که اشتراک واژگانی زیاد بین زبان ها و گویش های مختلف وجود دارد، برخی از واژگان به کار رفته در گویش بهبهانی، ریشه در زبان «پهلوی» دارند. بیشترین آن ها از زبان فارسی به زبان مذکور نزدیکترند و یا گاهی به آن شکل یا معنی در زبان فارسی، حتی، موجود نیست. مثلاً واژه ی پهلوی، دول (dol) که در گویش بهبهانی، به صورت دول (dūl) تلفظ می شود در زبان فارسی، با فرآیند واجی قلب در حروف به دول (dol) تبدیل شده است.

با پژوهش و پی جویی در واژه نامه های قدیم و جدید بررسی های تاریخی و زبانی و مقایسه ی واژه های پهلوی، فارسی و بهبهانی، می تواند که رشته ای ارتباطی بین واژه ها و آواها وجود دارد، این واژه ها که بعضی اختصاص به زبان پهلوی دارند و در فارسی دیده نمی شوند عیناً یا با اندکی تغییر وارد گویش ما شده و پاره ای آن چنان از حیث لفظ یا معنی عوض شده اند که تشخیص آن به سادگی دشوار است و با تحلیل و ژرف بینی می توان به آن ها پی برد. از آن جا که، به کمک زبان شناسی و کندوکاو در گویش ها و زبان های دیگر و ریشه های آن ها می توان به قوت و پرباری گویش محلی خود پی برد و با جمع آوری این واژگان پراکنده، می توان به بازسازی گویش کهن سال خود پرداخت؛ لازم شد که این کار هر چند به صورت خیلی ابتدایی و با در دسترس بودن امکانات کم صورت گیرد، اگرچه، برای یافتن بنیاد لغات قومی باید به زبان پیشین آن

قوم مراجعه کرد و تحول زبان و لغت را طی قرون گذشته در نظر گرفت اما، افسوس که ما خود هنوز نمی دانیم کدام واژه از ماست و کدام را از دیگر اقوام وام گرفته ایم؟ بدون شک، گروهی از واژگان مورد استفاده، چه در زمان حال و چه در زمان های گذشته به زبان یا گویش اقوام دیگر رفته و هم چنین واژگانی از دیگر زبان ها یا گویش مردمان سرزمین دیگر، بر سر زبان های مردم ما روان شده است. مردم، طی سال ها، هم دوران آرامش و پیروزی داشته اند و هم زمان جنگ و ستیز. پس، با وقوع هر پدیده ی نوی، واژگانی نو هم میان مردم رایج شده است. در نتیجه، چه آن هایی که پیروز می شدند و چه آن هایی که شکست می خوردند واژگانی را وام می داده و یا به وام می گرفته اند. که البته، ورود و خروج واژگان به هر زبان و گویشی دلیل یا دلایلی دارد. از مختصات گویش بهبهانی مانند: رایج فارسی وجود واژه های دخیل فراوان از زبان های ترکی (سوغات/شیرازی، عربی (سماطوری)، مغولی (تسیؤل)، اروپایی (سیمنت) و ... است. اگرچه در گذشته، عوامل سیاسی و مهاجرت و یا داد و ستدهای تجاری و بازرگانی موجب تبادل واژگان شده است. به دلیل ارتباطات گسترده، کسب علم و دانش، انواع توره های زیارتی - سیاحتی و ... بر این عامل افزوده شده است. اما، نکته ی قابل ذکر این است که علاوه بر تمام موارد ذکر شده و نیاز شدید، شاید مهم ترین علت وام گیری واژگان، نوعی فخر فروشی و به اصطلاح امروزی ها «پرستیژ» بوده است. مردم معمولاً از کسانی تقلید کرده و آن ها را الگو قرار می دهند که مقلد را در مواردی از قبیل فرهنگی، اجتماعی و ... از خود بالاتر ببینند؛ مانند تقلید از زبان گویندگان معروف رادیو و تلویزیون. دلیل دیگر این که در زبان بومی برخی از واژه ها به مرور نیرو و قدرت توصیفی خود را از دست می دهند و به دنبال آن کارایی خود را؛ پس، زمینه را برای ورود واژه های بیگانه ای که قدرت توصیفی بیش تری دارند باز می کنند. هیچ زبانی نیست که از زبان های همجوار خود یا کسانی که با آن ها رفت و آمد اجتماعی داشتند یا داد و ستد بازرگانی، تأثیر نپذیرفته باشد، اگرچه، برخی معتقدند که این وام گیری ها موجب آسیب زبان بومی نمی شود بلکه، بر غنای آن زبان یا گویش می افزاید. هر چند، طبقه بندی واژه هایی که از یک زبان به زبان دیگر وارد

می شوند به دلیل تنوع دشوار است، اما، استاد دانشمند، دکتر پرویز خانلری، آن ها را به سه دسته تقسیم کرده است:

(الف) محصولات طبیعی، مانند: رستنی ها و معدنیات.

(ب) محصولات صنعتی، مانند: ابزارهای خانگی، آلات و افزار صنعتی و فنی، نام پارچه ها و بافته ها، نام جامه ها و مانند آن ها.

(پ) تمدن و فرهنگ، که مربوط به سازمان های اجتماعی و اداری، آداب و رسوم و تشریفات، دین و مذهب، علوم و معارف و مانند آن ها می شود.

به هر حال نباید تصور شود که پیدایش واژه ها در میان انسان ها و زبان ها تصادفی و یا بی دلیل انجام گرفته و حال این که تمامی واژه ها در میان همه ی انسان ها بیبی و دلیلی دارد؛ برای مثال، اگر واژه های ترکیبی را در زبان فارسی بررسی کنیم درمی یابیم که از ترکیب و مفهوم متناسب (اسم مادر/پدر) - که واجد آن دو مفهوم است - ساخته شده اند. مثلاً آسمان معنی ترکیبی آن است. مانند» است به اعتبار گردیدن آن؛ چه، «آسیا» را «آس» نیز گویند، یعنی؛ «چرخ است که می گردد».

در تمام زبان های زنده ی دنیا لغات اولیه ی شری در مفهومی مشترک به کار می رود. چنان که نام خدا در تمام زبان های دنیا و فرهنگشان وجود دارد. الله (سامی)، خدا (فارسی)، خوتا (خوتای)، (فارسی باستان)، خوا (کردی)، گاد (god/انگلیسی)، تار (ترکی)، پینو (روسی)، یهوه (یهودی)، سر (مسیحی)، توت (نومی)، زئوس (یونانی)، نیروآنا (سانسکریت و هندو)، که نام خدا چون زبان فطری همه ی انسان است. همراه نخستین کلمات یعنی بابا و ماما و آب تاریخچه شان همسان است. یا مثلاً کلمه ی «مادر یا پدر» در انگلیسی «mother/father»، آلمانی «matter/vater»، یونانی «māter/pater»، فرانسه «mere/pere»، ارمنی «mair/hair»، سانسکریت «matar/pitar» و فارسی هم «پدر/مادر».

این ها همه نشان دهنده ی این است که همه ی این زبان ها را می توان در خانواده ی زبان های هند و اروپایی قرار داد. تنها، با دانش زبان شناسی و پژوهش در زبان های دیگر و ریشه یابی واژگان این زبان ها می توان به

گردآوری واژگان پراکنده و در نهایت به بازسازی این گویش کهنسال پرداخت
اما، افسوس که ما هنوز هیچ کار بنیادی در این مورد انجام نداده ایم در حالی
که «گویش بهبهانی» یکی از گویش های اصلی است که با پیشینه ی تاریخی
و هم به دلیل پیوند با زبان فارسی، بررسی و شناخت آن ارج و قرب فراوان دارد.
در این گویش، واژگان بسیاری وجود داشته که در دوران های گذشته متداول
بوده اما امروزه، بر اثر پیشرفت علم و تکنولوژی، مهاجرت جوانان، ... و بالاخره بها
ندادن به آن ها کاربرد خود را از دست داده یا خواهند داد و زیرگرد و غبار
گذشت ایام به دست فراموشی سپرده می شوند. پس، این تحقیق، بسیجی
همگانی از اهل فن و قلم را می طلبد که با همکاری دوستانه این وظیفه ی خطیر
را به انجام رسانند. شکی وجود ندارد که پس از شناختن واژه ای و پی بردن به
اصل و ریشه ی آن، کاربرد درست آن واژه را بر واژه های بیگانه ترجیح داده و
پس از چندی که با آن انس و الفت گرفتیم، هم واژه را از مرگ تدریجی و به
دنبال آن خاموش شدن نجات داده ایم و هم بر غنای واژگانی گویش خود افزوده
ایم. در این مجموعه، ما، اندک آنی کنیم که تمامی موارد درست است بلکه، بر
اساس تشخیص و مطالعات صورت گرفته، این موارد، ذکر شده است. هر کجا
مطمئن نبوده ام با بکار بردن «شاید» به خواننده هشدار داده ام. حتماً مواردی
مشاهده می شود که تشخیص یا نادرست بوده و اضافی، البته، جای افزودن
این نکته است که این ها یک دریافت است و نیاز به پژوهش و روشن کردن
هرچه بیشتر مطلب دارد و آن نیز در گرو آینده است. من آن را به آینده ی نسل
جوان می گذارم که با دست پر وارد این عرصه شوند. هم خود ایده های جدید
داشته و هم نواقص این کتاب ها را برطرف کنند. در واقع، ما به خاطر احساس
نیاز و هم نگرانی از فراموشی واژگان به مرور زمان، این ها را نزد آیندگان به
امانت می گذاریم. امید غایی من این است که در این زمینه، پژوهشگران
آینده بتوانند سفر دراز و پر از شگفتی را که این کتاب آغاز کرده دنبال کنند و
جایگاه راستین این گویش را مشخص تر نمایند.

«فرخنده نشاتی / بهار ۹۱»